



◆ محسن محمد باقرزاده
محرر کانون فارغ التحصیلان آذربایجان غربی



هاشمی سیاستمدار تکلیف‌گرا

شاید امروز بعد از گذشت حدود سه دهه از پیروزی انقلاب به جرات بتوان گفت که هاشمی رفسنجانی بهرمانی نامی است که همواره مورد توجه افکار عمومی مردم بوده و هست. کمتر کسی را می‌توان یافت که در مقابل هرسخن و مطالبی که پیرامون او و عملکردش طی این سه دهه، گفته و یا نوشته می‌شود مقاومت کرده و بی تفاوت از کنار آن بگذرد. گستردگی آرا و نظریات درباره هاشمی به حدی است که تضادهای آشکار مشاهده شده در آن انسان را به تامل در عملکرد این شخصیت کهنه کار انقلاب وامی‌دارد. سوای آن که وجود این اندازه تضاد در افکار عمومی خود نشان از بزرگی و گستردگی ابعاد وجودی هاشمی دارد ولی باید گفت هاشمی درمیان مجموعه ای از طرفداران و مخالفان سرسخت خود قرار دارد که از سویی او را یکی از ستون‌های استوار نهضت دانسته و با استناد به این جمله معروف بنیانگذار انقلاب که: «هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.» و با یادآوری این سخن رهبر که: «هیچکس برای من هاشمی نمی‌شود اما امیدوارم برای ملت بشود.» او را یکی از ذخایر انقلاب اسلامی می‌داند



که توانسته است با مشاوره و تصمیم‌گیری‌های استراتژی و حساسیت در مقاطع مختلف اعم از دوران مبارزه قبل از انقلاب، ۸ سال دفاع مقدس و مسوولیت‌های مختلف در مجلس و بیرون از آن، ۸ سال ریاست جمهوری و دوران سازندگی و نهایتاً ۸ سال مسوولیت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، گره‌های سخت مسیر رشد و تعالی این مرز و بوم را با تدبیر بگشاید از سوی دیگر مخالفان هاشمی، او را مسبب اصلی نابسامانی‌های اقتصادی و فشار مضاعف بر اقشار مستضعف جامعه که بیش از دو سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند دانسته و معتقدند آنچه در مدت تصدی او بر مراکز قدرت و تصمیم‌گیری این نظام به نام رشد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و به زعم خود هاشمی رفاه در سایه سازندگی نامگذاری شده چیزی جز یک فریب نبوده که هاشمی در جهت تحکیم قدرت خویش و خانواده‌اش بدان دست زده است. اینکه هاشمی رفسنجانی کدام یک

از این دو بوده پرسشی است که هر انسان منصف می‌تواند پاسخ آنرا در فضایی فارغ از جوسازی‌های موافقین و مخالفین و افراط و تفریط‌های حاکم بر ذهن خویش بیابد.

این مقاله در صدد پاسخ به پرسش فوق نبوده و نیست بلکه می‌کوشد با معرفی آنچه که از آن به عنوان مدیریت تکلیف‌گرا - همان مدیریتی که همواره در طول دوران پرفراز و نشیب انقلاب مورد توجه دلسوزان و مردم بوده و خواهد بود - ورود هاشمی رفسنجانی به صحنه انتخابات را مورد بررسی قرار دهد. یکی از مؤلفه‌های اساسی مدیریت تکلیف‌گرا تقدم دادن رضایت خداوند - که خود در گرو خدمت به خلق خداوند است - بر رضایت خویش می‌باشد و رجحان مصلحت اجتماعی مبتنی بر خرد و عدالت بر مصلحت فردی مبتنی بر منفعت و عاقبت در مشی مدیریت تکلیفی از اصلی‌ترین جهت‌گیری و آموزه‌های مشی مدیریت و مکتب بنیانگذار جمهوری اسلامی است. از همین منظر است که یک رهبر تکلیف‌گرا بدون توجه به نتیجه‌آنی و مادی حرکت خویش، تمام وجودش را وقف راه و حرکت می‌نماید. قطعاً شما



دیدگاه‌های متفاوتی درباره هاشمی و عملکردش از سوی مردم و تحلیل‌گران ارایه می‌شود

نیز به اندازه نویسنده این سطور هیچ تردیدی در تکلیف‌گرا بودن هاشمی رفسنجانی و تمام کسانی که در روزهای سخت پیش از پیروزی انقلاب حرکت پر شور مردم را رهبری کردند ندارند. هاشمی بعد از پیروزی انقلاب نیز ثابت کرده است که بر اساس تکلیف خویش عمل کرده و در این راه صدمات سختی را حتی از یاران دوران مبارزه‌اش به جان خریده است. صدماتی که نه تنها بر خود او بلکه بر خانواده هاشمی نیز رسیده است. هرچند به نظر می‌رسد هاشمی نیز به اندازه هر انسان بزرگ و تاثیر گذار در کشف آنچه که تکلیف او بوده دچار اشتباه شده باشد اما تجربه بلند وی در دوره‌های مختلف زندگی سیاسی‌اش درصد خطای او را به کمترین میزان ممکن رسانده و او را آماده پذیرفتن مسوولیتی دیگر نموده است. به طور قطع تصمیم امروز هاشمی هرچند به زعم خود او داروی تلخی است که او خود را مجبور به نوشیدنش می‌یابد اما به دلایلی آشکار می‌تواند ثمراتی شیرین برای ملت و کشور در پی داشته باشد. قدرت فوق العاده هاشمی در تصمیم‌گیری و توان بالای او در انتخاب نیروهای متعدد و متخصص برای به انجام رساندن تصمیم‌های خطیری که یک رییس جمهوری مقتدر و آگاه اتخاذ می‌کند به همراه کمی همدلی میان نیروهای انقلاب که مراکز مختلف نظام را در اختیار دارند می‌تواند راهگشای مسیری بلندی باشد که در قالب چشم انداز ۲۰ ساله نظام، به تصویب رسیده تا ملت را به فردایی بهتر و آبادتر رهنمون سازد.

هاشمی با آموختن خود نشان داده است که نتیجه تلخ انتخابات گذشته مجلس هیچ تأثیری در عزم وی برای ادای تکلیف بزرگی که بر دوش خود حس می‌کند نداشته و او یک بار دیگر برای ادای تکلیفی دیگر به صحنه مبارزات انتخاباتی وارد شده است. هرچند خود بهتر از هر کس دیگری می‌داند که امروز بسیار تنها تر از انتخابات گذشته مجلس است و این خود روشن‌ترین دلیل بر تکلیف‌گرا بودن سیاستمدار کهنسال ایران زمین است.